

### بیانیه همبستگی ده‌ها سازمان جوانان و دانشجویان جهان با خلق ایران

در جریان برگزاری فستیوال، ده‌ها سازمان به نمایندگی از سوی جوانان کشورهای خود، بیانیه مشترکی را در همبستگی با جوانان ایران صادر کردند. متن این بیانیه چنین است:

"ما سازمان‌های امضاء کننده این بیانیه، خواست‌های خود را در جهت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران بدین شرح اعلام می‌داریم:

- ۱- ما پایمال کردن آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک مردم ایران را توسط رژیم خمینی شدیداً محکوم کرده و خواهان پایان دادن به سرکوب نیروهای دموکراتیک و قطع شکنجه و اعدام انقلابیون و میهن‌دوستان ایرانی هستیم.
- ۲- ما خواهان آزادی بیدرتک و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی ایران: توده‌ای‌ها، فدائیان و دیگر بقیه در ص ۲

دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان (از ۱۲ ژوئیه تا ۱۳ اوت) با شکوه بی‌سابقه‌ای در مسکو برگزار گردید. در این فستیوال، هیئت نمایندگی سازمان جوانان توده ایران نیز بگونه‌ای فعال شرکت داشت. در جریان برگزاری آیین‌ها و مراسم گوناگون فستیوال، اعلام نام ایران و جوانان توده با صحنه‌های با شکوه و شورانگیزی از ابراز همبستگی جوانان جهان با مبارزات برحق جوانان ایران همراه می‌شد.

فستیوال، برای جوانان ایران، به کانون همبستگی بزرگی تبدیل گردید، زیرا صدها سازمان و شخصیت اجتماعی ترقی‌خواه در تماس با هیئت نمایندگی سازمان جوانان توده ایران همبستگی خود را با خلق‌های ایران ابراز داشتند و سیاست رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کردند.



دوره هشتم - سال دوم - شماره ۶۲  
پنجشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۶۴  
بها ۲۰ ریال

### ★ رفیق رضامحمدزاده اعدام شد ★ رفیق فرقانی زیر شکنجه جان سپرد

در ص ۷

### در همراهی

شعری از سیاوش کسری

در ص ۳

### سالروز تیرباران شش تن از افسران توده‌ای

یکی از افسران فرمانداری نظامی تهران، همکار تیمور بختیار و از دشمنان سرسخت توده‌ای‌ها درباره شهامت رفیق اسماعیل محقق زاده چنین اعتراف کرد:

"روشن است که من از مخالفان پروپاقرص حزب توده (ایران) هستم و با محقق زاده هیچ نوع پیوند فکری و عقیدتی ندارم، اما نمی‌توانم حیرت خود را از این همه رشادت و شهامت پنهان کنم."

رفیق شهید محقق زاده از هنگام دستگیری تا شبی که سحرگاهش او را به جوخه اعدام سپردند وظایف خود را در زمینه سازماندهی توده‌ایها در زندان و ایجاد ارتباط با مرکز حزب با بیگیری دنبال کرد و آخرین گزارش او به حزب، چند ساعت پیش از تیرباران بود.

رفیق شهید ستوان یکم منوچهر مختاری در دفاعیات خود گفت:

"از تیرباران نمی‌ترسم. با این که به زندگی و زیبایی آن بسیار علاقمندم اما این علاقه آنچنان لکه ابر تاریکی را تشکیل نمی‌دهد که آفتاب درخشان حقیقت زحمتکشان را نبینم. اکنون که در پای میدان اعدام قرار دارم تنها و تنها به مردم می‌اندیشم. از زندگی کوتاه و پرماجرایی خود به هیچ وجه نادم نیستم. زیرا به اندازه یک ایرانی وظیفه خود را انجام داده‌ام. اندیشه همین موضوع است که به من در این روزهای دشوار نیرو می‌دهد و مرا شاد و سرسخت نگه می‌دارد. با دلی بقیه در ص ۴

سحرگاه ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ است. رفیق توده‌ای سرگرد رحیم بهزاد روی کاغذ سیگار خود چنین می‌نویسد:

"یک ساعت دیگر من، مختاری، نصیری، مرزوان، محقق زاده و سروشپان تیرباران خواهیم شد. پیروزی ملت ایران. در این لحظات آخر قبل از اعدام به ملت ایران، به حزب محبوبم، به زن عزیز و کاوه نازنینم می‌اندیشم. افتخار دارم که به خاطر ملت ایران و دفاع از حزب محبوبم محکوم و تیرباران شدم..."

آری، و ساعتی دیگر چهارمین گروه افسران سازمان نظامی حزب توده ایران به جوخه تیرباران سیرده شدند. رژیم آمریکایی شاه دستان جنایتکار خود را به خون ۶ فرزند رشید خلق، رفقای توده‌ای: سرگرد رحیم بهزاد، سرگرد ارسطو سروشپان، ستوان سوم هوایی نصیری و ستوانیکم مرزوان آلوده ساخت.

رفیق شهید ستوان یکم حسین مرزوان در آخرین شب زندگی خود بردیوار زندان نوشت:

"امشب آخرین شب زندگی من است. قلمم را امتحان کرده‌ام. آرام است. امیدوارم همه زندانیان سیاسی مانند من باشند." رفیق شهید سرگرد ارسطو سروشپان در پاسخ آزموده جلاد که او را تهدید به مرگ کرد، گفت: "اشتباه می‌کنید، از هر قطره خون من صدها سروشپان خواهد روئید."

### انتخابات ریاست جمهوری یا شعبده‌بازی نوپتی رژیم؟

پس از زدوبندهای پشت پرده، بالاخره نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری اعلان شدند و این بار قرعه به نام خامنه‌ای و عسکروادای و کاشانی افتاد. بدینسان فاز اول شعبده‌بازی انتخاباتی پایان یافت.

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران که چندی پیش انتشار یافت، گفته می‌شود: "این انتخابات در شرایطی برگزار می‌شود، که در کشور ما اثری از آزادی نیست. آزادی بیان، قلم، اجتماعات، احزاب و سازمانهای سیاسی، اتحادیه‌های صنفی و سندیکاها و شوراهای پایمال تجاوز و تعدی سران خیانت پیشه ج.ا. شده است. زندانها انباشته از بهترین فرزندان خلق است. روزی نیست که دادگاههای شرع چندین حکم جابرا نه اعدام و زندان درازمدت صادر نکنند. مرگونه تظاهرات مسالمت آمیز خلق علیه بیدادگری‌های رژیم با سرنیزه ارگانهای سرکوبگر روبرو می‌شود."

طبیعی است که انتخابات رئیس جمهوری در چنین شرایطی جز به معنی یک خیمه شب بازی جدید نخواهد بود، و همه می‌دانند که نمی‌تواند یک انتخابات آزاد و دموکراتیک باشد. حتی خامنه‌ای رئیس جمهوری کنونی رژیم و کاندیدای آینده که به احتمال قوی بار دیگر بر مسند ریاست جمهوری تکیه خواهد زد، در مصاحبه‌اش ساعت خود با "اطلاعات" به ضرورت عدم مراعات حقوق و آزادیهای دموکراتیک در کشور اعتراف می‌کند و می‌گوید: "من اعتقاد این است که ما نمایش دموکراسی و آزادی لازم نداریم" (اطلاعات، ۲ مرداد ۶۴).

چرا؟ به گفته خامنه‌ای، برای اینکه گویا "اکثریت مردم طرفدار این نظامند" و عادلانه نیست که اجازه داده شود که در همان حال که عده‌ای دارند حرفی را مطابق میل مردم... به بقیه در ص ۲

### به جنایت و چپاول در کردستان پایان دهید

در ص ۶

### پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## انتخابات ریاست جمهوری یا شعبده بازی نوبتی رژیم؟

بقیه از ص ۱

مردم می گویند... یک عده دیگر بیایند و به تعبیر قرآن "والغافیه". در داخل صدای این گویندگان غوغاگری کنند... (همانجا).

اگر واقعا نیز "اکثریت مردم" طرفدار این نظامند، چرا از غوغای "اقلیت محدود" این مه هراس دارید؟ در واقع رئیس جمهور کنونی رژیم و نامزد ریاست جمهوری آینده آزادی را فقط برای مشتکی خائنین به مصالح ملی به رسمیت می شناسد و معتقد است که فقط سران نظام قرون وسطایی "ولایت فقیه" می توانند نظرات خود را تبلیغ کنند و در این نظام جایی برای دگراندیشان نیست. مگر شاه جز این می گفت؟ البته پایان رژیم شاه نیز بر کسی پوشیده نیست.

حال ببینیم نظرات فردی که خود را دیگر بار برای احراز پست ریاست جمهوری رژیم نامزد کرده است، درباره مسایل حاد کشور چگونه است؟

ادامه جنگ خانمانسوز یکی از معضلات عمده مردم مینماید ما است، اکثریت قاطع زحمتکشان مخالف جنگ هستند. ولی خامنه ای در مصاحبه انتخاباتی با "اطلاعات" به مقابله یک جنگ افروز عرض اندام می کند و می گوید: "... جنگ برای ما به معنای یکپارچگی ملت است. جنگ به معنای ثبات و رسوخ نظام اسلامی در سرزمین این کشور است" (اطلاعات، اول مرداد ۶۴). نامزد ریاست جمهوری رژیم جنگی را منشاء یکپارچگی ملت و ثبات نظام "ولایت فقیه" می داند که به اعتراف خود وی اقتصاد کشور را فلج کرده است. او می گوید: "اگر خطری باشد که ما را تهدید کند... مساله اقتصاد است" و "معتقدم که با عدم معالجه صحیح اقتصادی، آن خطر وجود خواهد داشت" (همانجا). بگذریم که آقای خامنه ای "معالجه صحیح" را به آینده محول می کند. آنچه که در این زمینه جلب توجه می کند اعتراف رئیس جمهور رژیم به عامل جنگ در فلج کردن اقتصاد است. او از جمله می گوید: "عواملی که تا حالا یک مقداری مانع از این شده اند که تلاش ها به نتیجه مطلوب و مورد نظر برسند، در درجه اول جنگ است. نمی توان جنگ را نادیده گرفت. جنگ هم پول، و هم نیروی انسانی و همت را به خود مصروف می کند" (همانجا).

جنگی که میلیونها کشته و مجروح و معلول و آواره برجای گذارده، یعنی بهترین نیروی انسانی را در کام خود فرو برده است، جنگی که صدها میلیارد ریال درآمد کشور را می بلعد و خسارات مالی عظیم ببار می آورد، چگونه می تواند منشاء غیر باشد؟

در جریان این گفتگوی چندساعته، خبرنگار "اطلاعات" مسئله مهم دیگری را که از ویژگیهای نظام "ولایت فقیه" است مطرح می کند و از "گروههایی از طبقات مرفه" که سعی می کنند "با دامن زدن به جو رفاه طلبی، مصرف گرایی، اعاده پاره ای از ارزشهای ناشی از فرهنگ غربزدگی... و زنده کردن ازدهای

سرکوفته و زخمی شده اشرافیت جاهلی" جامعه را به "بی بندوباری و عشرت طلبی و فساد" بکشانند، سخن بمیان می آورد.

تصور می کنید که عکس العمل نامزد ریاست جمهوری در پاسخ به این موضوع مهم چگونه است؟ بله، او منکر وجود غارتگران به نام کلان سرمایه داران می شود و مدعی است کسانی که "از طریق سرمایه های بادآورده، سودهای بادآورده ای را می برند" مربوط به گذشته است و گویا "اصلا قابل مقایسه با این سرمایه ها و سودها" درج اول نیست (همانجا).

نامزد ریاست جمهوری آشکارا به مردم دروغ می گوید. بانکی وزیر مشاور و رئیس برنامه و بودجه سابق در فروردین ماه سال ۶۳ اعلام کرد که فقط در سال ۶۳ بخش خدمات ۲۸۰ میلیارد تومان سود داشته است. چنین سودی آنهم طی یک سال در تاریخ معاصر ایران بی سابقه است. در نتیجه این چپاول آشکار است که میزان نقدینگی بخش خصوصی از ۲۹۰۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ به رقم نجومی ۹۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۳ افزایش یافته است (اطلاعات، ۲۲ آذر ۶۴).

خامنه ای که بعنوان وکیل مدافع سرمایه داران و بزرگ مالکان حقایق را پرده پوشی می کند، به خود اجازه توهین به توده های میلیونی زحمتکشان را هم می دهد. به این اظهارات وی دقت کنید: "شما می دانید... بیشترین حجم فساد (منظور کمیت است نه کیفیت) در میان مردم محروم وجود دارد. یعنی کارگران و روستاییان محروم که حتی از فرهنگ هم دور هستند... بیشتر به دام فسادهای جنسی، میخوارگی و زن بارگی می افتند. کمیت ها بیشتر مال اینهاست" (اطلاعات، ۲ مرداد ۶۴).

به عقیده خامنه ای نه صاحبان ثروت بیکران، بلکه کارگران و روستاییانی که به نان شب محتاجند و در سرحد مرگ و زندگی قرار دارند، منشاء "فسادهای جنسی و میخوارگی و زن بارگی" هستند و این ضرب المثل فارسی را فراموش می کند که: مامی از سر گنده گردد نی ز دم.

چنین است خلاصه نظرات عمیق ارتجاعی فقط یکی از نامزدهای ریاست جمهوری رژیم. در معرفی نامزد دیگر، یعنی عسکر اولادی همین بس که به موقع خود اکثریت اعضا همین مجلس رژیم از دادن رای اعتماد به وی به عنوان وزیر بازرگانی خودداری کردند. همه می دانند که این عدم اعتماد در ارتباط با دزدیهای کلانی بود که به هنگام تصدی عسکر اولادی در مقام وزارت بازرگانی و با شرکت مستقیم شخص وی صورت گرفته بود.

نامزد سوم یعنی محمود کاشانی نیازی به معرفی ندارد. او هم مانند خامنه ای و عسکر اولادی مدافع سرسخت "آزادی عمل" کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است.

باید نظر گرفتن این واقعیت ها است که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما گفته می شود: "حزب توده ایران، که خود یکی از قربانیان رژیم

جهل، جنایت و جنگ است، تحلیل خود را در قبال حکومت خینی و هندستان او، در بیانیه مشترک، با کمال صراحت عرضه کرده است. روش ما در قبال صحنه سازی انتخابات ریاست جمهوری ناشی از همان تحلیل است. تحریم انتخابات، مبارزه برای افشاء آن و استفاده از این افشاگری برای تجهیز توده ها به منظور سرنگون کردن رژیم، این است شعار ما."

## بیانیه همبستگی ده ها سازمان

بقیه از ص ۱

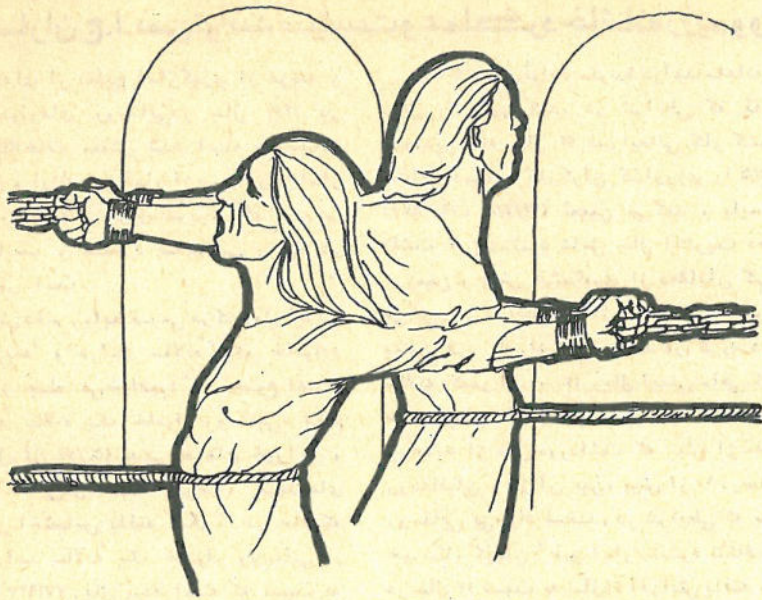
نیروهای آزادیخواه هستیم. ما محاکمات سرم بندی شده دمکرات های ایران، بویژه کادرها و اعضای رهبری حزب توده ایران را که بدون حضور ناظران بیطرف و حقوق دانان و پزشکان بین المللی صورت گرفته و می گیرد، فاقد هرگونه ارزش و اعتبار قانونی می دانیم.

۱- ما خواهان قطع فوری جنگ ویرانگر ایران و عراق هستیم. جنگی که در طول نزدیک به ۵ سال که از آن می گذرد، سبب خسارت های جانی و مالی غیرقابل جبرانی برای هر دو کشور گردیده است. ما همچنین خواهان پایان فوری کشتار خلق کرد که در راه کسب خودمختاری برای کردستان و آزادی برای ایران مبارزه می کنند، هستیم.

۲- ما همبستگی عمیق خود را با جوانان مبارز ایرانی به ویژه اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران اعلام می داریم.

۳- سازمان های زیر برپای بیانیه اعضا گذارده اند: سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان، سازمان جوانان جمهوری سوسیالیستی ویتنام، سازمان جوانان آلبانی، اتحادیه جوانان سوسیالیست لهستان، اتحادیه دانشجویان لهستان، اتحادیه جوانان سودان، سازمان جوانان کمونیست یونان، سازمان جوانان کمونیست فرانسه، لیگ جوانان کمونیست بریتانیا، سازمان متحد دمکراتیک جوانان قبرس، فدراسیون سراسری دانشجویان هند، جوانان کنگره ملی آفریقا، جنبش جوانان میلا (آنکولا)، سازمان جوانان کمونیست اسرائیل، کمیته ملی تدارکات اسرائیل، سازمان جوانان کمونیست تونس، اتحادیه سراسری دانشجویان تونس، جبهه دمکراتیک دانشجویان سودان، اتحادیه جوانان دهقان لهستان، سازمان پیشاهنگان لهستان، اتحادیه نویسندگان سودان، جبهه کارگران سودان، سازمان جوانان کشور کینه، اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی، اتحادیه دمکراتیک دانشجویان اردن، لیگ جوانان زامبیا، لیگ سوسیالیستی جوانان مالی، کمیته آفریقا در فنلاند، لیگ دمکراتیک جوانان غنا، سازمان سراسری جوانان در غنا، اتحادیه سراسری دانشجویان مراکش، اتحادیه سراسری دانشجویان بحرین، اتحادیه سراسری دانشجویان غنا.

## درهمراهی



به شامیم ، به شما  
بهشماران طلوع و طلب رستاخیز  
ای شکسته بتن خود قفس و قفل طلا  
در چه حالید اکنون  
به کجااید ، کجا ! ؟

•  
چه شد آن موج بلند  
که کران تا به کران را بگرفت  
چه شد آن جوشش پیر تاب و توان  
که تنبش جان جهان را بگرفت ! ؟

•  
شمع بی بزمان بودید ، به شب  
رونق مشعل مزدک و مانی بودید

•  
نه در این کوچه و آن کوچه این شهر و دیار  
روشنی بخش جهانی بودید !

•  
اینک آن غلغله نیست .

همه جا تاریکیست .

•  
چه نگفتیم که آن پیکره بر خاک نشست ! ؟  
چه نکردیم که آن منظره در اشک شکست ! ؟

•  
حال با این همه گهواره خالی چه کنیم ! ؟

•  
حال با گور گرانبهار جوانان چه کنیم ! ؟

خیل بیکاران را -

کشته سوخته ویرانرا

•  
این وطن ، غرقه بخون زندانرا

•  
در چنین حال پیریشان چه کنیم ! ؟

دانه در توده یک خرمن عشق

دست و بازوی و دل و دیده یک تن باشیم

•  
به در آمیختگی ما کردیم

نه جدمانده زهم ، من باشیم .

•  
ای شمایان بنشینید بر این فاجعه تدبیر کنیم

تا منادا که به غفلت زدگی دیر کنیم

•  
به یکی بانگ

که در همدردی بر داریم

•  
به یکی گام

که در همراهی بگذاریم

•  
یا بیک شعله خرد

که به تاریکی ترسیم کنیم

•  
در و دیوار دروغین جدائی همام خواهد سوخت

•  
آری آن آتش افسرده درین سرداجاق

•  
به یکی واژه ، یکی بوسه ، نگاه

•  
باز خواهد افروخت .

•  
به شامیم ، به شما

•  
ای گریزنده شهبان شب تنهایی

•  
راه طی نشده ، هان ، منتظر پای شماست

•  
باز گردید بهم

•  
کهکشان دل من جای شماست !

## سیاوش کسرای

تیرماه ۱۳۶۴

## شماره سوم مجله "مسایل بین المللی" منتشر شد

پنجمین شماره مجله "مسایل صلح و سوسیالیسم" به چهارمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن اختصاص داده شده است. بخش بزرگی از درجات شماره سوم مجله "مسایل بین المللی" هم که از میان مقاله های شماره ۵ و ۶ مجله "مسایل صلح و سوسیالیسم" گزیده شده است، در ارتباط با همین موضوع و اهمیت این پیروزی بزرگ برای سرنوشت جامعه بشری پس از جنگ جهانی دوم است.

از جمله مقالاتی که به این مسئله اختصاص داده شده است، مقاله "اهمیت بین المللی پیروزی اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی" به قلم بوریس پونوماریف عضو مشاور دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و

مقاله "جرخش در سرنوشت خلقهای ستمدیده" نوشته پیتروکینمان صدر حزب کمونیست سری لانکا را می توان نام برد. در مقاله "جنگ جهانی دوم - ارقام و فاکتها" خوانندگان به زبان ارقام و آمار با وضع اقتصادی - نظامی کشورهای درگیر در جنگ، یعنی کشورهای ائتلاف ضد هیتلری و کشورهای "محور" - ابتدا در آغاز جنگ و سپس در جریان آن - آشنا می شوند.

•  
ر. محمود باریالای عضو حزب دمکراتیک خلق افغانستان، در مقاله ای زیر عنوان "ضامن پیروزی انقلاب"، ضمن اشاره به شرح جنایات ضد انقلاب داخلی که با برخورداری از حمایت امپریالیسم و ارتجاع منطقه، جنگ اعلان نشده ای علیه افغانستان بر سر راه ساختمان جامعه نوید آورده است، خاطر نشان می سازد که جمهوری دمکراتیک افغانستان از پشتیبانی

موثر نیروهای صلح و ترقی و عدالت اجتماعی و کمکهای بموقع و ارزنده اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برخوردار است. او نتیجه می گیرد که این پشتیبانی بین المللی نیرومند به مردم افغانستان نیرو و استقامت می بخشد و سیر مطمئنی در برابر دسایس ضد انقلاب، امپریالیسم و ارتجاع است.

علاوه بر این، در سومین شماره مجله "مسایل بین المللی" مقاله میرسلا دانسکوویچ عضو هیات رئیسه کمیته لهستانی درباره مسایل امنیت و همکاری اروپا و همچنین هدف های کشورهای امپریالیستی از طرح قراردادهای کنفرانس یالتا و تعبیر و تفسیر تحریف آمیز آنها درج شده است. نویسنده طی این مقاله نیات سوء امپریالیسم برای "از بین بردن یالتا" را فاش و برملا می سازد.

**درد بر زندانیان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!**

## آمارسازان ج.ا. نمی‌توانند سیاست و عملکرد خائنانه رژیم و واقعیات اجتماعی را اپوشانی کنند

درختان ارتزاق می‌کنند" (ج.ا. ۱۰/۴/۶۲) و نماینده ایزه نیز اینگونه زبان به سخن می‌گشاید: "من به منطقه بشاگرد رفته‌ام، ولی آنطوری که شنیده‌ام، ایزه هم چیزی کمتر از آن نیست، زیرا هنوز قوت لایموت روستائیان آن منطقه میوه درخت بلوط می‌باشد" (اطلاعات ۳۲/۱۱/۲۹).

اگر متوسط درآمد ماهانه روستائیان ۲۹۳۲۷ ریال بود، باید مردم از ابتدایی‌ترین نعمات مادی زندگی از جمله مسکن مناسب برخوردار می‌شدند و نباید ملامت‌ها هزار خانوار روستایی در بیفوله‌ها، آلونک‌ها، چادرها، کپرها حصیرآبادها و حلبی‌آبادها جانوروار زندگی می‌کردند. شاهد مثال زهرین تصویر زنده و روشنی از وضع مسکن بخش چشمگیری از روستائیان بدست می‌دهد:

"در جازموریان و اطراف آن بطور کلی در بخشهای حوزه شهرستان کهنوج (کرمان)، کمتر کسی را می‌توان یافت که خانه‌کلی داشته باشد. اکثر مردم در زیر کپرها زندگی می‌کنند و زندگی به این شکل در طول قرون و اعصار ادامه داشته است" (اطلاعات ۷ آذرماه ۶۲).

اکنون، با توجه به حقایق گفته شده (که مشتی از خروار بود) بایستی بدرستی خاطر نشان ساخت که مردم ایران فریب آمارسازان ج.ا. را که می‌کوشند غارت و بهره‌کشی اقلیتی و محرومیت و بهره‌دهی اکثریتی را پنهان سازند، نخورده و نخواهند خورد. توده‌های مردم و روستائیان زحمتکش از واقعیات زندگی پردرد و رنج و سرشار از محرومیتی که رژیم ولایت فقیه، بعنوان مدافع منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران برایشان به ارمغان آورده است، الهام می‌گیرند و گام در راه پیکار بخاطر سرنگونی آن می‌گذارند.

### سالروز تیرباران شش تن از افسران توده‌ای

بقیه از ص ۱

شاد و پر امید گل‌وله را در دل خود جای خواهم داد تا آخرین لحظه که گل‌وله‌ها قلم را خواهد شکافت افتخار پیوستگی به خلق را چون پتک سنگینی بر مغز دشمنان می‌کوبم. تردید ندارم که خلق قهرمان و در پیشاپیش آن طبقه کارگر ما فاشیسم را زنده بگور خواهد کرد و روی لاشه آن بنای زندگی شاد و آسوده خود را بر خواهد افراشت. با مرگ من وظایف من است که پایان می‌پذیرد. موفق و پیروز باشید."

رفیق شهید ستوان سوم هوایی اسداله نصیری نیز جوان ترین عضو گروه چهارم افسران سازمان نظامی بود که در برابر گل‌وله دشمن سینه سپر کرد و با شهامت فوق العاده‌ای وفاداری خود را به حزب توده ایران و آرمانهای انقلابی اش اثبات کرد.

آری، اینک سی سال از آن سحرگاه خونین می‌گذرد و مبارزه همچنان ادامه دارد. حزب توده ایران به فرزندان قهرمان خود درود می‌فرستد.

چه کسی می‌تواند متوسط درآمد ماهانه ۲۹۳۲۷ ریال را باور کند، در شرایطی که تازه در فروردین ماه سال ۶۲ شورای عالی کار کشاورزی حداقل دستمزد کارگران کشاورزی را ۶۳۵ ریال (اطلاعات ۲۸/۶۲) تعیین می‌کند و باید توجه داشت این دستمزد شامل حال اکثریت دهقانان بی‌زمین و بخش چشمگیری از دهقانان کم زمین می‌شود؛ در شرایطی که از "تعداد کل خانوارهای بدون فرد باسواد ۲۱/۲ درصد در گروه درآمدی سالانه کمتر از ۱۲۰۰۰ ریال (یعنی ماهی کمتر از هزار تومان) قرار داشته‌اند" (اطلاعات ۲۴/۴/۶۲) و نباید از نظر درداشت که بیش از ۸۰ درصد روستائیان و از آن بین، بیش از ۹۰ درصد زنان روستایی بی‌سواد هستند؛ در شرایطی که به گفته خبرنگار کیهان "طبق آمار منتشره شکاف درآمد در سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱ افزایش یافته و حدود نیمی از درآمد کل جامعه را ۲۰ درصد از افراد جامعه جذب می‌کنند" (کیهان ۲۳/۲/۶۲)؛ در شرایطی که بنا به آمار رسمی متوسط دستمزد در سال ۱۳۶۲ در استان یزد ۷۶۸ ریال بوده است (اطلاعات ۱۵/۲/۶۲).

اگر متوسط درآمد ماهانه روستائیان ۲۹۳۲۷ ریال بود، نباید یکی از اهالی جازموریان کرمان در گفتگو با خبرنگار "اطلاعات" بگوید: "... حداقل باید برای بردن بیمار تا یک درمانگاه ۵ هزار تومان پول پرداخت کرد، رقمی که از درآمد یکساله کشاورز این منطقه بیشتر است" (اطلاعات ۷/۴/۶۲).

اگر متوسط درآمد روستائیان ماهانه ۲۹۳۲۷ ریال بود، نباید بنا بنوشته روزنامه اطلاعات در صدها ده کوره در سیستان و بلوچستان، که زنان یگانه "نان آور خانواده خود هستند" و چرخ زندگی آنها با سوزن دوزی، کلیم بافی، حصیربافی، دگه دوزی و... به گردش درمی‌آید، حداکثر ۱۲۰۰ تومان درآمد داشته باشند. از زبان یک زن روستایی سوزن دوز در روزنامه اطلاعات می‌خوانیم:

"جوانترها قادرند ماهانه ۶ مترنوار، سوزن دوزی کنند که هر متر آن را ۲۰۰ تومان می‌فروشند" (اطلاعات ۵/۱۲/۶۲). گزارشگر "اطلاعات" "براساس آمار و اطلاعات موجود در سازمان صنایع دستی استان" می‌نویسد که "می‌توان ادعا کرد که تقریباً میانگین درآمد زنان سوزن دوز در ماه به پانصد تا هزار تومان می‌رسد" (اطلاعات ۲۰/۱۲/۶۲).

اگر متوسط درآمد ماهانه روستائیان ۲۹۳۲۷ ریال بود، نباید بخشی از روستائیان محتاج غذای بخور و نمیر باشند و برای یک شکم غذای سیر خوردن آه بکشند و معده خود را با علف و برگ درختان و میوه درخت بلوط پر کنند. رفسنجانی در سال ۶۰ اعتراف می‌کند که در "بشاگرد" سیستان کودکان بلوچ برای پرکردن شکم به چرا می‌روند (خطبه نماز جمعه ۲۲/۱۱/۶۰) و امام جمعه شهرکرد در سال ۶۲ می‌گوید: "ما روستاهائی را داریم که بچه‌هایشان درون این کوه‌ها با برگ

چکیده‌ای از نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۶۲ در روزنامه اطلاعات منتشر شده است. هدف از سرشمندی و ارائه این آمار از سوی مرکز آمار ایران در واقع تلاش برای سرپوش گذاردن بر ژرفای سیاست و عملکرد ضد مردمی رژیم، در سالهای اخیر است.

در گزارش دفتر روابط عمومی مرکز آمار ایران درباره هزینه و درآمد سالانه یک خانواده روستایی از جمله می‌خوانیم: "از مجموع ۶۱۱۶۸۱ ریال هزینه سالانه یک خانوار روستایی، مبلغ ۲۰۹۷۸ ریال آن (۵/۶) به هزینه‌های خوراکی و مبلغ ۲۰۸۸۲ ریال (۴۷/۴ درصد) هزینه‌های غیرخوراکی اختصاص یافته است". در حالیکه "متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی در ۱۳۶۲ برابر ۴۷۱۹۲۷ ریال بوده است که نسبت به سال قبل ۲۰/۴ درصد افزایش نشان می‌دهد" (اطلاعات ۱۹ تیرماه ۶۲).

پیش از بررسی این آمار ساختگی بجاست دو نکته درباره این آمارها و شیوه فریبکارانه این گونه آمارگیری و آماری تذکرده شود:

اول - "متوسط هزینه" و "متوسط درآمد" محاسبه شده به هیچ وجه بیانگر واقعیت زندگی اقتصادی جامعه روستایی ایران نیست، زیرا این مثلا "متوسط درآمد" شکاف عمیق درآمدهای موجود اکثریت زحمتکش روستا را با اقلیت فئودال‌ها و بزرگ زمینداران غارتگر نشان نمی‌دهد. باید توجه داشت که این محاسبه، با یک کاسه کردن درآمد دهقانان بی‌زمین و ارقام نجومی غارت آن "مالکینی" که به گفته فخرالدین حجازی، نماینده تهران "دارای هزارها هکتار زمین هستند" (اطلاعات ۲۶/۱/۶۲) یک رقم غیر واقعی به عنوان درآمد متوسط استخراج شده است. دقیقتر بگوییم، نمی‌توان وجود فقر سیاه و درآمد ناچیز "حدود یک میلیون خانوار فاقد زمین" (اطلاعات ۱۲/۱/۶۲) و ۸۶ هزار خانواری که زمینی کمتر از یک هکتار دارند را از یک سو و ثروت اندوزی و درآمدهای کلان ۵۶۳۰۰ بزرگ مالک را که زمینی به وسعت "۲۵ هکتار و بیشتر" دارند (اطلاعات ۲۰/۱/۶۲) را از سوی دیگر، در جبهه این داده‌های مرکز آمار ایران مشاهده کرد.

ثانی - اگر فرض محال را بردرست بودن این آمار قرار دهیم، باز همچنان می‌بینیم که اختلاف چشمگیری میان متوسط هزینه و متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی وجود دارد. مابه التفاوت بین متوسط هزینه و متوسط درآمد سالانه بالغ بر ۱۲۹۷۵۴ ریال می‌شود. به دیگر سخن، "متوسط درآمد" سالیانه حدود ۲۳ درصد کمتر از "متوسط هزینه" سالانه است.

افزون براینها، با یک حساب ساده، از "متوسط درآمد" ۴۷۱۹۲۷ ریال مرکز آمار ایران می‌توان به این نتیجه رسید که درآمد متوسط ماهانه روستائیان ۲۹۳۲۷ ریال و درآمد روزانه آنها ۱۲۱۰۹ ریال می‌شود.

## چرا جوانان کمر به قتل خویش می‌بندند؟

سرمایه‌داری بردست و پای آنها سنگینی می‌کند. در شرایط کنونی، جوانان وقتی می‌بینند عده‌قلیلی سرگرم غارت و بهره‌کشی اکثریت جامعه هستند، ولی آنها بخاطر تأمین معاش بخور و نییری ناگزیرند هزار خفت و خواری و دربدری و استثمار را تحمل کنند، وقتی می‌بینند عده‌ای دولتمرد بی‌کفایت برگردۀ خلق سوار شده‌اند و برای حفظ جاه و مقام به هر تبهکاری دست می‌زنند و هر بیدادگری، سالوس، دروغ و ریاکاری را مجاز می‌دانند، وقتی می‌بینند هیچ امکان مساعد اجتماعی برای رشد شخصیتشان وجود ندارد و درعین حال آگاهی اجتماعی چراغ راهشان نیست، نهایتاً در گروهی از جوانان، سرخوردگی‌ها جای خود را به انتخاب‌مرگ می‌دهد. برای بی‌بردن به ابعاد این پدیده فاجعه‌بار و رشدیابنده، می‌توان به آمار وزارت بهداشت استناد کرد: تعداد خودکشی‌ها در سال ۶۱ نسبت به ۵۸ به میزان ۷۱/۷۵ درصد افزوده شده است (نشریه آماری نظام پزشکی شماره ۱۰ مرداد ۶۱)

بر آمار خودکشی‌های پشت جبهه، باید آن گروه گروه جوانانی که در جبهه‌ها با اذهان ساده و تخدیرشده و همچنین به جان آمده از فشارهای گوناگون، بر روی مین می‌روند را افزود. زیرا در واقع آنها دست به خودکشی می‌زنند تا از جهنم جامعه سرمایه‌داری نجات پیدا کنند و به "پهستی" در آن دنیا دست یابند.

در شرایط کنونی، این گروه از جوانان همانند دیگر جوانان مبارز، برای پایان بخشیدن پدیده‌ها و مفساد زائیده نظام سرمایه‌داری که هرروز قربانیانی را از بین مردم دست چین می‌کند، باید برسینه روحیه سیاست‌گریزی، گوشه‌گیری و یأس دست رد بگذارند و به مبارزه برخیزند.

و ناامیدی و نفرت از زندگی فرو می‌روند و تن به خودکشی می‌دهند؟

خودکشی و آدم‌کشی و فساد، پدیده‌های آشنا و فاجعه‌بار جامعه سرمایه‌داری هستند. در جامعه‌ای که انسان‌ها در چنگال فقر و بیماری، بیکاری و بیسوادی و گرسنگی و بی‌خانمانی اسیر و از آزادیهای فردی و اجتماعی محروم هستند، کم نیستند انسان‌هایی که آخرین اخگر امیدشان برای دستیابی به یک زندگی سعادت‌آرا، به خاموشی می‌گیرند و دست به خودکشی می‌زنند.

اگر زندگی انسان‌ها غنی و پر محتوا باشد، اگر انسان‌ها در جامعه، خویش را عنصری مفید و سودمند و دارای شخصیت و حقوق انسانی احساس کنند، اگر اجرای هدف‌های بزرگ انسانی رویاروی آنها قرار گیرد، اگر از امکانات آموزشی، ورزشی، هنری و تفریحی برای شکوفایی استعدادهای خود بهره‌مند باشند، هرگز به دامن یأس و ناامیدی درنی‌غلطند و از نظر روحی تا آنجا سقوط نمی‌کنند که از همه زیبایی‌های زندگی دل برکنند و خودبهدست خود، رشته حیات خویش را پاره کنند.

نباید یک لحظه این حقیقت را از نظر دور داشت که ۶ سال پیش همین مردم و از جمله جوانانی که امروز تن به خودکشی می‌دهند، برای ایجاد یک تحول بنیادی در سرپای نظام و مناسبات کننیده اجتماعی سرمایه‌داری، در انقلاب ۲۲ بهمن شرکت کردند تا پایه‌های سعادت مادی و معنوی خود و فرزندان‌شان را شالوده‌ریزی کنند. حال آنکه در نتیجه خیانت رهبران جمهوری اسلامی به آماج‌های انقلاب اینک همچنان زنجیرهای حاکمیت ستمبار

آمار خودکشی و آدم‌کشی در جمهوری اسلامی، همپای ژرفش بیش از پیش بحران اجتماعی - اقتصادی در جامعه رو به فزونی است. هفته‌ای نیست که خبر چند خودکشی یا جنایت تکانه‌نده در مطبوعات درز پیدا نکند.

در این باره به برخی عناوین خبری مطبوعات توجه کنید: "جوان ۲۵ ساله خود را حلق آویز کرد"، "۲۷ ساله خود را از تیر چراغ برق خیابان حلق آویز کرد"، "جوانی خود را از طبقه دهم ساختمان پلاسکو به پائین پرتاب کرد و جان سپرد"، "زن ۱۸ ساله که شوهرش قصد بیرون کردن او را از خانه داشت، خود را آتش زد"، "مردی همسر حمله و برادرزن خود را کشت و سپس خودکشی کرد"، "خودکشی در شب عروسی"، "۵ نفر بر اثر خودسوزی جان سپردند"، "مردی پس از کشتن دختر نوجوانش دست به خودکشی زد".

در متن بیشتر این خبرهای خودکشی و خودسوزی، جمله کلیشه‌ای "تحقیق پیرامون انگیزه خودکشی ادامه دارد" به چشم می‌خورد. یافتن انگیزه این کمر به قتل خویش بستن‌ها کار دشواری نیست. انگیزه ثابت این خودکشی‌ها در یک کلام عبارت است از: سیرشدن از زندگی نکبت‌باری که جامعه فاسد سرمایه‌داری و نظام جمهوری اسلامی برای مردم و از جمله به ویژه برای جوانان به ارمغان آورده است.

در حالیکه انسان‌ها، در حالت طبیعی، بطور غریزی در برابر مخاطرات و دشواری‌ها و حوادث به قول معروف برای حفظ جان خود به هر خس و خاشاک و موجی چنگ می‌اندازند، چگونه است که در مرحله‌ای از زندگی خویش در غرقاب یأس

## توافق وزرا و انتصاب هیئت مدیره تعاونی

۲. بازرسان: آقایان کامل فاسی، خلیل نوروزی و محمدعلی کلبهاری.

۳. مدیرعامل آقای سیدنتقی شریفی منفرد. باتوجه به اهمیت موضوع شایسته است حداکثر طرف مدت ۷۲ ساعت از تاریخ ابلاغ این نامه نسبت به انبارگردانی و تهیه ریز صورت کالاهای موجود در آن تعاونی و تنظیم صورتهای مالی تراژ آزمایش، عملکرد، سودزبان، تقسیم سود ویژه و تراژنامه و همچنین انجام امر تحویل و تحول و انتقال مسئولیت به هیئت مدیره جدید اقدام و گزارش نهایی را به عنوان این معاونت ارسال دارید. بدیهی است هرگونه بی‌توجهی و سهل انگاری در انجام وظایف فوق الذکر مسئولیت قانونی داشته و برابر مقررات مسئولین مربوط مؤاخذه و تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت

زیر این نامه را محمدعلی طیرانی معاون امور اجتماعی و اشتغال امضاء کرده است.

۲. پاسخ شرکت تعاونی...  
"بدینوسیله به اطلاع آن اداره می‌رساند که هیئت مدیره تعاونی مصرف کارگران چاپ و خدمات تهران و توابع طی نامه مورخ ۲۳/۷/۶۲ از بقیه در ص ۶

اما وزارت کار و امور اجتماعی نیز پاسخ دندان شکنی از هیئت مدیره شرکت تعاونی و مصرف کارگران چاپ و خدمات تهران و توابع دریافت کرده است. متن دو نامه را با هم مرور کنیم:

۱. نامه وزارت کار و امور اجتماعی به هیئت مدیره یادشده:

"نظر به اینکه در تاریخ ۲۳/۷/۶۲ مدت سه سال خدمت قانونی آن هیئت مدیره در تعاونی مصرف کارگران چاپ و خدمات تهران (چاپخانه‌های تهران و حومه سابق) سپری شده است لذا به منظور حفظ حقوق صاحبان سهام و برخورداری از یک مدیریت منسجم و آگاه و معتقد و مؤمن به ضوابط و موازین شرعی و انقلاب اسلامی ایران در تعاونی مزبور با تصمیم وزرای محترم کار و امور اجتماعی و بازرگانی و به استناد ماده ۱۴۶ قانون شرکت‌های تعاونی هیئت مدیره جدید آن تعاونی به مندرج در ذیل معرفی می‌شوند:

۱. اعضای اصلی هیئت مدیره: آقایان محمد شکوهی نافع، عباس خاکساری، اسماعیل خاکسار، علی اصغر آورینی و شعبان اکبری.

استبداد قرون وسطائی درج ۱. صورت قانونی به خودگرفته است، بویژه در آنجا که مربوط به حقوق کارگران می‌شود. دو نامه زیرین بیان کننده این واقعیت است.

بر اساس نامه‌ای که از سوی وزارت کار و امور اجتماعی به هیئت تعاونی مصرف کارگران چاپ و خدمات تهران نوشته شده و پاسخی که از سوی این هیئت فرستاده شده است کاملاً آشکار می‌شود که وزرای کار و امور اجتماعی و بازرگانی بدون آنکه به کارگران چاپ برای انتخاب هیئت مدیره جدید اجازه تشکیل مجمع عمومی بدهند در توافق باهم اشخاص ناشناسی را بعنوان هیئت مدیره جدید انتصاب کرده‌اند. در نامه وزارت کار و امور اجتماعی از هیئت مدیره قبلی خواسته شده است که ظرف ۷۲ ساعت تمام امور مربوط به تحویل و تحول را انجام بدهد، در غیر این صورت اعضاء آن به اتهام "بی‌توجهی و سهل انگاری در انجام وظایف" (!) آن هم "برابر مقررات" (!) "تحت پیگرد قانونی" (!) قرار خواهند گرفت.

## توافق وزرا و انتصاب هیئت مدیره تعاونی

بقیه از ص ۵

اداره کل نظارت بر شرکت‌های تعاونی کارگری درخواست مکانی برای برگزاری مجمع عمومی عادی شرکت به منظور انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره و بازرسان را کردند که تا کنون هیچ‌گونه پاسخی به ما داده نشده است. لذا هیئت مدیره در تاریخ ۶۴/۱/۱۸ تصمیم به نشر آگهی برای انجام امور فوق‌الذکر کرد که آگهی این تعاونی به پیوست برای مزید اطلاع شما ارسال میگردد، لکن شما با ابلاغ نامه شماره ۱۰۸۸، تاریخ ۶۴/۱/۲۱ ما را از انجام این عمل مهم که سرنوشت تعاونی باید بدست نمایندگان اعضا و سهامداران باشد بازداشتید. بدین لحاظ ضمن اعتراض به انتساب افرادی ناشناخته بجای برگزاری انتخاب افرادی صالح و شایسته که مورد اعتماد اعضا باشند از آن معاونت تقاضا داریم که دلایل استناد وزارت بازرگانی و کار را به ماده ۱۴۶ قانون تعاونی به طور کتبی به ما ابلاغ کنند تا ما از اتهاماتی که ممکن است به ما نسبت داده شود مبرا باشیم. زیرا ذیل ماده ۱۴۶ آمده است که وزارت بازرگانی با صلاحدید وزارت کار با مشاهده تخلف یا تخلفات هیئت مدیره می‌تواند هیئت مدیره را عزل و دیگری را بجای آنها نصب کند. ما اعضای هیئت مدیره و بازرسان تعاونی مصرف کارگران چاپ و خدمات تهران و توابع ضمن اعتراض به تصمیمات ابلاغ شده در نامه شماره ۱۰۸۸، تاریخ ۶۴/۱/۲۱ وزارت کار و امور اجتماعی که با استناد به ماده ۱۴۶ قانون تعاون با عزل افرادی که به عنوان هیئت مدیره و بازرسان منتخب مجمع عمومی کارگران هستند و انتساب افرادی که ما اعضا کنندگان ذیل هیچ شناختی که بتوانیم اموال و وسائل تعاونی را در اختیار آنها قرار دهیم از آنها نداریم تقاضا داریم که برای تحویل اموال و وسائل تعاونی به وزارت کار و امور اجتماعی تا تاریخ ۶۴/۲/۲۱ به ما مهلت داده شود تا با فرصت کافی دفاتر حسابداری تنظیم شده و بیلان مالی سال ۶۳ داده شود.

این نامه به اعضا، مدیرعامل، هیئت مدیره و بازرسان شرکت تعاونی مصرف کارگران چاپ و خدمات تهران و توابع رسیده است.

باید یادآور شد، صرف نظر از اینکه از سوی وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بازرگانی چه انگیزه‌ای سبب کنارگذاشتن هیئت مدیره قدیم و انتساب هیئت مدیره جدید شده است، ماده ۱۴۶ مورد استناد وزارت کار، خود به طور غیر قانونی در "قانون شرکت‌های تعاونی" گنجانده شده است. رژیم می‌کوشد، بجای اینکه کارگران را در انتخاب هیئت مدیره مورد اعتماد خود آزاد بگذارد، با استناد به این ماده در کار کارگران دخالت کرده و حقوق آنها را پایمال سازد. این در حالی است که رژیم نه تنها در کار کلان سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ دخالت نمی‌کند بلکه خود به آلت دست آنها بدل شده است.

## به جنایت و چپاول در کردستان پایان دهید

امکانات مردمی بهره گرفته شده است که مبلغی بالغ بر ۲۰ میلیارد تومان می‌شود.

وی ضمن اشاره به تخریب دوباره مناطق بازسازی شده در اثر ادامه جنگ، گفت: "بخش قابل ملاحظه‌ای از بخش‌های ساخته شده و مرمت شده توسط استاد در اواخر سال ۶۲ و اوایل سال ۶۴ بر اثر حمله‌های مذبحخانه موشکی و بمباران عراق باردیگر ویران شد و وسعت مناطق تخریبی افزایش پیدا کرد." وی با وقاحت شادمانی خود را از تقارن بمباران‌ها و بازسازی ابراز نموده گفت: "ما اعتقاد داریم که تقارن بازسازی و جنگ بزرگترین امتیاز را برای ما به همراه آورده است" (اطلاعات ۲ تیرماه ۶۴).

واقعیت این است که بسیاری از مناطق آسیب دیده اصولاً مرمت نگردیده و بودجه آن تنها به جیب عوامل فاسد حکومتی سرازیر شده است. آنان با این ادعا که مناطق ساخته شده مجدداً ویران شده است خود را از هر نوع پاسخگویی به مردم ایران بی‌نیاز می‌دانند. معاون وزیر کشور در مصاحبه دیگری در ارومیه، ضمن اشاره به شور و شوق مسئولین اجرایی و عوامل حکومتی در جنگ و بمبارانها، چنین داد سخن می‌دهد: "بدنبال بمبارانهای وحشیانه سردشت و پیرانشهر توسط صدامیان از سوی ستاد بازسازی مبلغ دو بیست میلیون ریال دیگر به این دو شهر اختصاص یافت و با توجه به شور و شوق مسئولین اجرایی و بازسازی مناطق آذربایجان غربی ما را برآن داشت که هرچه در توان داریم ... فعالیت‌ها را افزایش دهیم" (اطلاعات ۸ تیرماه ۶۴).

گسترش حملات عوامل مسلح رژیم در کردستان با یاری و مساعدت چکمه پوشان حاکم برترکیه - این عامل ناتوانی امپریالیسم - و چپاول اعتبارات اختصاص داده شده به مناطق کردنشین وسیله عوامل اجرایی حکومت ارتجاعی در منطقه، تنها مرگ و ویرانی را برای خلق کرده و ارمغان می‌آورد.

در شرایطی که حاکمیت ارتجاعی خلق کرد را به خاک و خون کشیده و با چپاول اموال ملت زندگی سراسر رنج و محرومیتی را به مردم کردستان تحمیل کرده است، ضرورت همکاری و همراهی نیروهای مترقی برای سرنگونی رژیم و تحقق خواسته‌های برحق خلق کرده، بیش از پیش احساس می‌شود.

مبارزات اوج گیرنده انقلابی، حرکات و اعتراضات ضدجنگ و بی‌اعتمادی مطلق مردم نسبت به حاکمان جبار و فاسد، زمینه این همکاری را در منطقه و سراسر کشور فراهم کرده است. هر نوع اختلاف نظر بین نیروهای مترقی و مردمی به نفع حاکمان مرتجع و پشتیبانان آنان خواهد بود.

پیشنهاد حزب توده ایران مبنی بر ضرورت توافق نیروها در ابعاد مشترک مبارزه، می‌تواند زمینه ساز اتحاد نیروهای خلقی در مبارزه با ارتجاع حاکم در کردستان و ایران باشد.

با فرارسیدن ماههای تیر و مرداد شش سال از حمله همه جانبه رژیم ضد خلقی ج.ا.ی به کردستان و اشغال فاشیستی آن می‌گذرد. شش سال پیش با تحریک مزدور مرتجعی بنام مفتی‌زاده و با کمک عوامل حکومتی امپریالیسم چون چمران معاون نخست وزیر و سرپرست ساواک وقت و وزارت دفاع، رژیم حاکم بدستور شخص خمینی حمله همه جانبه خود را به کردستان مخصوصاً پایه آغاز کرد.

عوامل رژیم در پس تبلیغات جنجالی و منحرف کننده دست به کشتار بهترین فرزندان خلق کرد در کردستان و کرمانشاه زدند. ماه مرداد یادآور شهادت رفقا آذرنوش مهدویان، شیانی، و رفیق فدایی گرجی بیانی است. که به حکم حاکم شرع به جوخه اعدام سپرده شدند.

نیروهای خلق ستیز و سرکوبگر طبق گزارشات مندرج در روزنامه‌های مجاز، خود به انهدام روستاها و کشتار بهترین فرزندان خلق اعتراف می‌کنند: "در محاصره قریه" "سیب سوار" پیش از ۲۰ تن از افراد مسلح دمکرات به هلاکت رسیدند". (اطلاعات ۱۶ تیرماه ۶۴). و این قتل و کشتار در پی عملیات با نام "انصارالله" و با گزارش از قرارگاه حمزه السید الشهداء بود. سلاخان رژیم که خاطره امیراحمدی قصاب و ورهراها و شاه بختی‌ها و علیزاده‌ها و اویسی‌های دوران دودمان ننگین پهلوی را زنده می‌کنند، نه تنها به قتل و کشتار و کوچ دادن اجباری روستائیان مناطق مرزی مشغول هستند، بلکه به خیال خود می‌خواهند فرهنگ و ملیت خلق کرد را نیز با اعزام عناصر تبه کاری تحت عنوان جهادگر و مبلغ پایمال و نابود کنند. براساس گزارش یاد شده رادیو ایران اعلام کرد که ۷۰۰ نفر از جهادگران سمنان و دامغان برای انجام امور راه سازی و تبلیغی در یک ماه گذشته فعالیت چشمگیری در منطقه کردستان از خود نشان دادند (رادیو ایران، جمعه ۲۸ تیرماه ۶۴).

خاننان به خلق تنها به کشتار مردم بیگناه روستاها و کوچانیدن آنان به مناطق دیگر اکتفا نکردند، بلکه با گسترش و ادامه جنگ بسیاری از شهرهای کردنشین را طعمه بمباران هوایی هواپیماهای عراق ساختند. در این کیرودار، حیلۀ دیگر حاکمان پایتخت نشین و مامورین مزدور محلی آنان، چپاول اعتباراتی است که بعنوان بازسازی و عمران و آبادی مناطق جنگی و کردنشین به تصویب مجلس ضد خلقی رسانیده‌اند.

آخوندی معاون سیاسی ناطق نوری که فساد و رشوه خواری‌اش در جهادسازندگی در ماجرای استیضاح ناطق نوری برملا شد، در مصاحبه‌ای چنین می‌گوید: "اکنون پس از گذشت سه سال از تشکیل این ستاد (ستاد بازسازی مناطق جنگی) یعنی در طول سالهای ۶۱، ۶۲، ۶۳ مبلغی نزدیک به ۲۱ میلیارد تومان از محل صندوق دولت و در کنار این بودجه، رقمی در حدود چهل درصد از

## درسیاها چالها چه می گذرد؟

از آرمانهایش، شکنجه های طاقت فرسائی را تحمل کرد. اعدام رفیق رضا محمدزاده، دوستان و آشنایان و همکاران وی را که با خصائل انقلابی او از نزدیک آشنایی داشتند به شدت متأثر و آنها را نسبت به رژیم ددمنش " ولایت فقیه " خشمگین ساخت.

همچنین رفیق فرقانی ( که از نام کوچک او باخبر نیستم ) در بهمن ماه ۶۲ زیر شکنجه جان سپرد. وی که ۶۴ سال داشت در جریان یورش دوم به حزب توده ایران دستگیر شد. در آن هنگام رژیم اطلاعات کافی درباره وی نداشت و پس از مدتی ناچار شد که وی را از زندان آزاد کند. اما یک ماه بعد رفیق فرقانی دیگر بار دستگیر و به بند کشیده شد و سرانجام در بهمن ماه ۶۲ پس از تحمل شکنجه های مستمر جسمی و روانی، زندگی را بدرود گفت. ۶ ساعت پیش از مرگ ( ۵ بعد از ظهر ) شکنجه گران که حال رفیق فرقانی را وخیم دیدند، جسم نیمه جان را به خانه رساندند تا شاید بتوانند خود را از اتهام قتل میرا سازند، اما ساعت ۱۱ همان شب پرده از جنایت رژیم برداشته شد...

" نامه مردم " ضمن ابراز تسلیت به خانواده و دوستان رفقا رضا محمدزاده و فرقانی از رفقایی که اطلاعات بیشتری دارند می خواهد که عکس و زندگی نامه دقیق آنها را ارسال دارند. دیگر بار به روح مقاوم شهدای توده ای درود می فرستیم.

درحقیقت طبق قوانین و احکام ارتجاعی حاضر در صورت فوت پدر فرزند، مادر تنها وظیفه سرپرستی و نگهداری کودک را دارد و قیمومیت و استقاده از اموال فرزند و کلیه تصمیم گیری های اساسی و سرنشت ساز کودک از اختیار مادر خارج است و به جد پدری واگذار شده است.

اما شورای نگهبان، در بررسی خود نسبت به طرح مزبور یا را از این هم فراتر گذارده و حق حضانت را نیز از مادران ( در صورت فوت پدر ) سلب کرد. به عبارت دیگر، شورای نگهبان کمترین حقی برای مادرانیکه با رنج و مشقت، فرزندان خود را در دامان پرورده اند باقی نگذاشته است. شورای نگهبان جنایت بیشه و مردم فریب همانگونه که به راحتی بر تعدد زوجات و یا در آن واحد طلاق چهار همسر از سوی مردان، صحه می گذارد، به همانگونه نیز حق حضانت را از مادران ستمدیده و رنج کشیده میهن ما سلب می کند. آنچه که حکام تاریک اندیش ج.ا. و بویژه شورای نگهبان ارتجاع می خواهد، آن است که از وجود زن پیش از همه بمنظور حفظ و ازدیاد نسل بهره برداری شود و در این میان اگر زنی صاحب فرزندی شد، بر اساس احکام پوسیده قرون وسطائی کمترین حقی برای او برسمیت شناخته نمی شود.

زنان آزاده و آگاه!

مادران رنج دیده و محروم!

ایستادگی در مقابل احکام و قوانین ارتجاعی

بقیه در ص ۸

پس از رفیق عظیم محقق که در شهریورماه ۶۲ توسط رژیم ددمنش ج.ا. تیرباران شد، رفیق رضا محمدزاده یکی دیگر از پاسداران انقلاب است که به جرم توده ای بودن و دفاع از منافع زحمتکشان کشور اعدام شده است. رفیق رضا، همراه با دو برادر خود محمد و جواد محمدزاده پس از یورش عوامل سرکوبگر به حزب توده ایران دستگیر شد و خانواده وی پس از ماه ها بی خبری سرانجام باخبر شدند که قصابان رژیم او را به مسلخ کشانده اند. مأموران کمیته به سراغشان آمدند، آنها را به پزشکی قانونی بردند و در آنجا جسد بیجان رفیق محمدزاده را درحالی که به علامت سعیت رژیم پای او سوراخ شده بود و روی گردنش آثار طناب دار دیده می شد، به آنها نشان دادند. رژیم از تحویل جسد رفیق رضا به خانواده اش خودداری کرد و وی را در منطقه دورافتاده ای در مسگرآباد مدفون ساخت.

رفیق رضا محمدزاده یکی از دانشجویان توده ای تحصیل کرده ایتالیای بود که پس از انقلاب و در آغاز جنگ به کشور بازگشت و با رهنمود حزب خود برای دفاع از میهن در صفوف نیروهای بسیج داوطلبانه به جبهه رفت. وی پس از بازگشت از جبهه تا هنگام دستگیری کماکان در بسیج تهران به فعالیت انقلابی خود ادامه می داد و از هنگام دستگیری تا زمان اعدام بخاطر دفاع

پرواز کرد و رفت  
و نسترن شکفت در آوازش  
شبکورها  
خورشید را به دارکشیدند  
او روز دیگری را  
آغاز کرد و رفت...

جانمایی که به خاکستر نشست

● رفیق رضا محمدزاده اعدام شد.

● رفیق فرقانی زیر شکنجه جان سپرد.

هوشی مینه می گوید: بین سرمایه داری و سوسیالیسم دره عمیقی است که با خاکستر کمونیستها پر می شود. و به راستی که چه واقعیت تلخ و دردناکی و چه ثمره شیرینی در این کلام فراموش نشدنی نهفته است. در میهن خونبار ما تا کنون هزاران نفر کمونیست جان بر سر آرمانهای انسانی خود نهاده اند و از این پس نیز این قافله خون به راه خود خواهد رفت. در کجای دنیا دیده شده است که کمونیستها بدون عبور از آتش و وثیقه نهادن هستی خویش شاهد مقصود را در آغوش کشیده باشند؟

آری، و این بار دو تن دیگر از رفقای توده ای ما: رضا محمدزاده و فرقانی سمندروار در این آتش به خاکستر نشستند.

## حق حضانت از دیدگاه سران ج.ا.

یک حيله شرعی نیز هست. زیرا احکام مدنی جاری در کشورمان که متعلق به " عصر حجر " است پس از فوت پدر فرزند، مسئله " حضانت " و " ولایت " فرزند را مطرح می کند که دقت روی این دو مسئله، چهره ریاکارانه حکام جنایت پیشه ج.ا. را آشکار می کند. در اسفندماه سال گذشته آقای مهدوی کرمانی رئیس دادگاه های مدنی خاص در گفتگویی در باره فرق ولایت و حضانت گفت: " حضانت نگهداری و سرپرستی از جهت مخارج و غیره است ولی ولایت از نظر رسیدگی به امور حقوقی مثل اموال طفل و یا اجازه خروج از کشور و ... مثلاً طفلی که پدرش فوت کرده باشد ولایت او با جد پدری است اما نگهداریش با مادر است ... "

مهدوی کرمانی در مصاحبه دیگری در بهمن ماه گذشته در مورد اینکه اگر پدر فرزند قبل از فوت وصیت کند تا حق ولایت و اداره آموزش به مادر فرزند واگذار گردد، گفت: " در صورتیکه پدر فرزند زنده باشد نمی تواند وصیت کند که ولایت و قیمومیت فرزندش به عهده همسرش یا شخص دیگری باشد زیرا جد پدری ( پدر بزرگ پدری و عمو و ... ) ولی قهری فرزند صغیر می باشد و چنانچه غیر از این مورد وصیتی شده باشد آن وصیت باطل است. "

جندی پیش ( در تیر ماه سال جاری ) طرح قانونی " واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر یا مهجور به مادران آنها " که در خردادماه به تصویب مجلس رسیده بود از سوی شورای نگهبان ارتجاع مغایر با موازین شرع و قانون اساسی اعلامی شد.

این طرح بنا به گفته اسماعیل شوشتری مخبر کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس ( کیهان - ۱۳۶/۱۱/۲۹ ) طرحی بود که اولین بار در سال ۱۳۶۰ برای مدت سه سال بطور آزمایشی به تصویب مجلس رسید و به اجرا درآمد و پس از خاتمه سه سال مجدداً در سال ۶۲ به تصویب مجلس رسید که طبق آن " حضانت فرزندان صغیر یا مهجور در صورت فوت یا شهادت پدر، " برای همیشه " به مادران واگذار شد.

درحقیقت مقاومت و ایستادگی و فشار زنان و مادرانی که توسط احکام ارتجاعی جاری در جامعه به روز سیاه نشانده شده اند و گسترش روزافزون حضور حق طلبانه آنان در مراکز قضائی و شعب دادگاه های مدنی خاص، دست اندرکاران قشری و تنگ نظر را وادار به عقب نشینی و تصویب این طرح کرد. اما واگذاری حق حضانت به مادران ضمن آنکه به معنی عقب نشینی رژیم در برابر فشار زنان و مادران جامعه است،

## مطبوعات خارجی درباره ایران گزارش میدهند

تخفیف ۴ دلار در هر بشکه نفت

بنابه نوشته روژنامه تایمزدم و دوازدهم ژوئن ۱۷۸۵:

تخفیف قیمت نفت توسط ایران موجب نگرانی کشورهای عضو "اوپک" شده است. در پیست و پنجمین سالگرد سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، با موج جدید تخفیف ها تا حد ۴ دلار در هر بشکه، اتحاد این کشورها در معرض خطر قرار گرفته است.

مناخ مربوطه در خاور میانه تأیید کرده اند که چنین تخفیف هایی توسط ایران داده می شود. یک موج جدید اجاره کردن تانکرهای نفت از بازار مخصوص لندن نشان می دهد که (با تخفیف نفت توسط ایران) مشتریان غربی مقادیر زیادی از ایران نفت خریداری کرده اند.

بعد از گذشت ۶ سال از انقلاب و پنج سال از جنگ با عراق، به نظر می رسد که ایران از نظر خارجی کافی برای اقتصاد خود و جنگ در اختیار ندارد. هرچند که ایران یکی از ثروتمندترین کشورهای خاورمیانه است، ولی اکنون دچار کمبود جدی ذخایر انرژی، کاهش میزان صدور نفت و افتشاشات گسترده در کارخانجات است. کمبود ارز خارجی سبب معاملات پایاپای شده است... ذخایر ارزی ایران اکنون در سطح چهار میلیارد دلار سقوط کرده است و مخارج جنگ توسط خرده پول و فروش روژانه نفت تأمین می شود.

خطر آشوب کارگران

به نوشته "تایمز": هزاران کارگر از انقلاب انتظار مالی بسیار بیشتری از آن چه که دریافت می کردند، داشتند. اکنون انضباط شل شده و کارفرمایان برقراری نظم را در سطح کارخانه ها مشکل می بینند... دولت (ج.ا.ا) زمانی خود را موظف به رعایت منافع "مستضعفان" می دانست، اما اگر روزی مجبور شود این محافظت را کنار بگذارد خطر آشوب جدی وجود دارد.

قرارداد با کارخانه نیسان ژاپن

بنا بگزارش "فاینشال تایمز"، قرارداد تازه ای بین ایران و کارخانه اتومبیل سازی نیسان ژاپن به امضاء رسیده است. کمپانی نیسان، از سال آینده قطعات پیش ساخته یک خودرو دو دیفرانسیالی را برای مونتاژ به ایران صادر خواهد کرد. براساس این قرارداد تا سال ۱۷۸۱، ۲۰ هزار دستگاه از این خودروها در ایران مونتاژ خواهد شد.

ایران تالیوت را از ورشکستگی نجات داد

رادیو لندن در ۲۹ ژوئن گفت:

کارخانه اتومبیل سازی تالیوت بریتانیا که بخشی از مجتمع خودروسازی پژو فرانسه است، از روز پنجم ماه اوت آینده کار روی ساخت

قطعات از پیش ساخته اتومبیل پیکان ایران را از سر خواهد گرفت.

به گزارش رادیو لندن، مشکلات ایران در عدم پرداخت قطعات اتومبیل پیکان موجب تعطیل کارخانه اتومبیل سازی در هفت هفته شده بود که با پرداخت ۵۰ میلیون لیره استرلینگ به صورت اعتبارنامه ارزی نقد از طرف ایران در مورد انتقال ۲۴ هزار واحد قطعات از پیش ساخته پیکان، این کارخانه فعالیت مجدد خود را آغاز کرده است.

### تصحیح وپوزش

برخی اشتباهات چاپی شماره ۶۱ "نامه مردم" بشرح زیر تصحیح می شود:

در مقاله "کارتوده ای بین زنان..." صفحه ۱، ستون ۲، سه سطر مانده به آخر، عبارت "علیه زورگویی ظالمانه طبقاتی" صحیح است. کلمه "علیه" جا افتاده است که به این وسیله تصحیح می شود.

در شعر "چون صدای پتک آهنگر"، ستون دوم، سطر دوازدهم، مصراع "دریا مویه ای در پرده های سنگ" درست است. بجای کلمه "پرده های"، "میان" چاپ شده است که باید تصحیح گردد.

### حق حضانت از دیدگاه سران ج.ا.

بقیه از ص ۷

رژیم سياهكار ج.ا. وظیفه همیشه شاست درحال حاضر که طرح "واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر و مهجور" از سوی فقهای شورای نگهبان بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران رد شده است باید با مقاومت بیش از پیش برای کسب حقوق واقعی خود مبارزه کنید. فرزند را شما پرورده اید، حق تعیین سرنوشت فرزند و نگهداری او هم از حقوق برحق و مسلم شاست. می توانید و باید به همراهی دیگر مادرانی که حقوقشان زیر پا گذارده شده است، با زیر فشار قرار دادن دست اندرکاران مرتجع رژیم، حقوق خود را مطالبه کنید. حق گرفتنی است و شما قادر به گرفتن آن هستید.

### رونق بیمارستانهای خصوصی انگلستان درازای

#### کساد شبکه بهداشت درمانی روستاهای ج.ا.

فرهنگ و آموزش عالی ج.ا. در کنکره جراحان کشور در شیراز بدست می آید که اعلام می کند: "۲۰ میلیون دلار ارز در مدت سه ماه جهت درمان بیماریهای قلبی بیماران ایرانی در بیمارستانهای انگلستان پرداخت شده است." (کیهان ۲۵ اردیبهشت ۶۴).

حکومت ارتجاعی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، روستائیان زحمتکش را بدون زمین می گذارد، جوانان و فرزندان آنها را برای بقاء نظام منحوس خود در جبهه های خونین جنگ خانمان سوز به قتل می رساند، زحمتکشان کشور را از کمترین خدمات اجتماعی محروم می سازد، کادر درمانی کشور را با تخریب امکانات پزشکی به مهاجرت اجباری وادار می کند و شریف ترین آنها را روانه سیاه چالها و فراموشخانه های می سازد. ولی صاحبان زور و ثروت را از تمام نعمات و امکانات موجود نه تنها در داخل کشور، بلکه با صرف ثروت های عظیم متعلق به مردم زحمتکش، در خارج از کشور نیز برخوردار می سازد.

"درحال حاضر یکی از مسائل روستایی نقاط دوزافتاده کشور فقر بهداشتی و درمانی است. این مسئله بزرگ باعث میزان مرگ و میر در بین کودکان و شیوع بیماریهای واگیردار عمومی و بومی در نواحی دور افتاده می شود." این تصویری از وضع اسفناک بهداشتی ۶۰ هزار روستا با ۲۰ میلیون روستایی زحمتکش میهن ماست که "کیهان" در شماره ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۶۴ ارائه داده است.

بنا به بودجه تصویب شده در مجلس جمهوری اسلامی تنها "۲۵۰ میلیون تومان از اعتبار دولتی به طرح شبکه بهداشتی درمانی کشور... در مناطق روستایی اختصاص داده شده است." (همانجا) یعنی رژیم ضد مردمی ج.ا. برای هر زحمتکش روستایی در طول یک سال تنها ۱۲/۵ تومان، یعنی کمتر از ارزش یک کیلو پیاز، بودجه تعیین کرده است. این در حالی است که صاحبان ثروت که اکثر "از مقربان رژیم" ولایت فقیه هستند تنها برای معالجه قلب سالانه ۱۲۰ میلیون دلار، یعنی معادل یک میلیارد و ۲۲۰ میلیون تومان ارز کشور را به کیسه بیمارستانهای خصوصی انگلستان سرازیر می کنند. این ارقام بر مبنای اعتراف وزیر

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

کمکهای مالی رسیده:

۵ پوند	۰.۰۴
یکی از رفقای زن	۱۰۰ مارک
وجودت	۱۰۰ پوند
ر. گلبرگ	۱۰۴/۵ پوند

NAMEH  
MARDOM  
No: 63

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

August 15, 1985